



سنگ‌ها چه دنیای عمیق و جالبی دارند و این بود که به سراغ این کار آمدم و حالا با سنگ‌ها زندگی می‌کنم.

کامل پور تعریف می‌کند: سنگ‌های عقیقی که از جنوب خراسان می‌آیند، سنگ‌های اصیلی است که مخاطبان زیادی دارند.

هنوز بخش‌های زیادی برای بازدید مانده است. هنرمندان غرق در دنیای خویشند؛ از استاد مجید رزمی که قلم‌زنی روی سنگ را انجام می‌دهد، تا منصوره عامری که کارشناس صنایع دستی است و در زمینه تولید محصولات چرمی دست‌دوز فعال است. سارایی چرانلویی استاد پایپه ماشه سنتی است. استاد رعنائی هنر حکاکی بر روی سنگ و فلز را انجام می‌دهد....

اهالی انجمن چهار باغ، کنار هنرمندان مجموعه روز خاطره انگیزی را به پایان می‌رسانند و خاطره‌اش را در قاب دور بین می‌گنجانند تا هیچ‌وقت از خاطرشان نرود.

کوتاهی می‌شوند که با سر انگشتان هنرمندانه او نواخته می‌شود. آنان سپس هر آن چیزی را که لازم است درباره آموزش و پیشینه این هنر از او می‌آموزند و به خاطر می‌سپارند تا میهمان غرفه دیگر باشند.

پایپه ماشه که هنر قدیمی و کهن است و حتی بر روی فلز و استخوان هم انجام می‌شده، در اتاق دیگری آموزش داده می‌شود و تنوع زیبایی از آثاری چون انواع و اقسام قلمدان‌ها، جاجواهری و جعبه‌های شکیل را پیش چشم مخاطب به نمایش می‌گذارد. مقواها و کاغذهای فشرده با دست‌های هنرمندان مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارند و با نقاشی گل و مرغ ایرانی زینت می‌یابد و انتخاب را دشوار می‌کنند.



نقاشی

قهوه‌خانه‌ای

بیشتر در

سبک خیالی

کشیده

می‌شود

و بر سه پایه

شاهنامه،

آداب و رسوم

کهن و مذهب

می‌چرخد

با سنگ‌ها زندگی می‌کنم

امارایت زندگی کامل پور هنرمند عقیق تراشی که به صورت خیلی اتفاقی وارد این رشته شده، نیز جالب و شنیدنی است. او خطاب به اهالی انجمن چهار باغ تعریف می‌کند: چند سال در محمود آباد زندگی می‌کردم. روزی کنار دریا مشغول تماشای بودم که با صحنه‌ای جالب روبه‌رو شدم. اینکه خیلی از محلی‌ها چیزی را از روی زمین برمی‌داشتند و به دنبال قسمت دیگر می‌رفتند. کنج‌کاو شده بودم و موضوع را که پرسیدم، متوجه شدم مربوط به جمع‌آوری سنگ‌هاست. از آنجا مشتاق شدم جریان سنگ‌ها را دنبال کنم و خیلی زود فهمیدم



استاد حمیدی. نقاش قهوه‌خانه‌ای با مهارت تمام قلم بر پرده‌ای می‌کشد که سرشار از رنگ و نقش است.

استاد حمیدی همان طور که حواسش معطوف به کارش است، توضیح می‌دهد: نقاشی مربوط به پنج بانوی بزرگ اسلام است؛ مریم، زینب، آسیه، خدیجه و ام‌البنین. پشت سر او تابلویی هنرمندانه از عبور سیاوش از آتش است که توجه خیلی‌ها را جلب می‌کند.

به گفته او نقاشی قهوه‌خانه‌ای بیشتر در سبک خیالی کشیده می‌شود و بر سه پایه شاهنامه، آداب و رسوم کهن و مذهب می‌چرخد. استاد اطلاعاتی را که از کتاب‌ها و تاریخ شفاهی و به نقل از افراد به دست می‌آورد، حلّاجی و بالا و پایین کرده، با ذوق به تصویر می‌آورد.

تعریف می‌کند مخاطبان این هنر قهوه‌خانه‌ها، تکاپا و مجموعه‌های مذهبی اند که حالا نقش خیلی پررنگی ندارند و او بیشتر سفارش‌ها را برای مجموعه آستان قدس رضوی انجام می‌دهد.

معمولاً هر اثر دو تا سه ماهی زمان می‌برد و استاد برای هیچ‌کدام از آن‌ها قیمتی تعیین نمی‌کند و حق هم دارد کار هنری و برآمده از دل و جان را نمی‌شود، ارزش گذاری کرد.

در کارگاه انگشترسازی

کارگاه استاد حسین یساول شلوغ و پرسر و صداست؛ با صدای ممتد و یکریز چکش‌ها. استاد می‌خواهد بچه‌ها برای چند لحظه دست از کار بکشند و درباره هنرش به اعضای انجمن چهار باغ توضیح می‌دهد که تا به حال کارآفرینی زیاد داشته است و هنر جویان باید هزینه به نسبت بالایی را برای آموزش بپردازند.

استاد می‌گوید: صفر تا صد کار انگشترسازی در همین مجموعه کوچک انجام می‌شود. نقش دادن فلزی که هیچ حالتی ندارد، به انگشترهای شکیل و چشم‌نواز، گاهی سه تا چهار هفته زمان می‌برد. کارهایی که تولید می‌شود، بر خی موزه‌ای است و جایگاهش در کلکسیون عاشقان عتیقه است.

استاد به شدت معتقد است: هنر جویان این مجموعه باید دوره طراحی را بگذرانند و خط و خوشنویسی را بدانند تا بتوانند خبره این کار باشند. حرف اول و آخرش یکی است: با سواد مطلع از هنر می‌تواند پیشرفت داشته باشد، نه بی سواد هنرمند.

تار آموزشی در مصلی

چهارباغی‌ها پس از آن در اتاق استاد یاراحمدی میهمان قطعه‌های

